

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته علوم قرآن و حدیث

**عنوان :**

**ترجمه و تحقیق تفسیر نورالثقلین**

**(جزء دوم قرآن)**

نگارنده :

زهرا صفای نیکو

استاد راهنما :

دکتر قاسم بستانی

استاد مشاور :

دکتر یوسف محفوظی

شهریور ۱۳۸۹

تقدیم به

پیشگاه پروردگارم که عشق را با تمام عظمتش در کالبد خاکی من نهاد

و

آستان مقدس ولی عصر، حضرت مهدی

آن غائبی که حضورش در نگاه باران تجلی می یابد و در عبور نور تعبیر می شود

و تقدیم به پدرم

و مادرم

ستونهای بزرگ زندگیم، آنها که پچک وجودم در برشان جان گرفت و سگوفاشد

و به همسرم

کسی که به من آموخت تا در زمان مشکلات بهاری و سبزبانم

## سپاسگزاری

اکنون که به مرحله نهائی پایان نامه ام رسیده ام بر خود لازم می دانم که از استاد محترم جناب آقای دکتر قاسم بستانی که راهنمایی پایان نامه را بر عهده داشتند و با احساس مسئولیت و سعه صدر در حل مشکلات پایان نامه مرا یاری دادند سپاسگزاری کنم. همچنین از استاد گرامی جناب آقای دکتر یوسف محفوظی که مرا در به پایان رساندن این رساله کمک کردند سپاس فراوان دارم.

از تمامی استادان بزرگوار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شهید چمران که خوشه چین معرفتشان بوده ام و از رهنمودهای ارزنده آنان استفاده کرده ام بسیار سپاسگزارم و از خدای بزرگ، برای آن عزیزان آرزوی توفیق فراوان دارم. از خداوند منان، خواستار توفیق و سربلندی دوستان و تمام کسانی که به نحوی مرا در تهیه این نوشتار یاری دادند، می باشم.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

زهرای صفای نیکو

## فهرست مطالب

	عنوان	صفحه
۱	- چکیده	
۲	- مقدمه	
۳	- ترجمه و تفسیر نورالثقلین (جزء دوم قرآن کریم)	

## فهرست آیات

۷	- سيقول السفهاء من الناس ما وليهم عن قبلتهم . . . (بقره/ ۱۴۲)	
۷	- قد نرى تقلب وجهك في السماء . . . (بقره/ ۱۴۴)	
۱۱	- و كذلك جعلناكم امة وسطا . . . (بقره/ ۱۴۳)	
۳۳	- الذين اتيتهم الكتاب يعرفونه كما يعرفون ابناءهم . . .	
۳۳	- الحق من ربك فلا تكونن . . . (بقره/ ۱۴۶)	
۳۷	- ولكل وجهه هو مؤلّيا فاستبقوا الخيرات اينما تكونوا . . . (بقره/ ۱۴۸)	
۴۴	- فاذكروني اذكرکم و اشكروا لي . . . (بقره/ ۱۵۲)	
۵۱	- ان الله مع الصابرين. (بقره/ ۱۵۳)	

- ٥٥ - ولنبلونكم بشى من الخوف والجوع . . . (بقره/١٥٥)
- ٦٠ - الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ . . . (بقره/١٥٦)
- ٧٢ - إِنَّ الصَّغَا وَالْمَرُوه مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ . . . (بقره/١٥٨)
- ٨٥ - إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الْهُدَى . . . (بقره/١٥٩)
- ٨٩ - وَالْهَكْمِ إِلَهٍ وَاحِدٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ . . . (بقره/١٦٢)
- ٨٩ - إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ . . . (بقره/١٦٤)
- ٩٤ - إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا . . . (بقره/١٦٦)
- ٩٤ - وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً . . . (بقره/١٦٧)
- ٩٦ - وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا . . . (بقره/١٦٥)
- ١٠٢ - لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ . . . (بقره/١٦٨)
- ١٠٣ - وَمِثْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمِثْلِ الَّذِي يَنْعَقُ . . . (بقره/١٧١)
- ١١١ - فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ . . . (بقره/١٧٣)
- ١١٨ - أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَهَ بِالْهُدَى . . . (بقره/١٧٥)
- ١٢٠ - وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ . . . (بقره/١٧٧)
- ١٢٢ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ . . . (بقره/١٧٨)

- ١٢٩ - ولكم فى القصاص حياه يا اولى الالباب . . (بقره/١٧٩)
- ١٣١ - كتب عليكم اذا حضر احدكم و الموت . . . (بقره/١٨٠)
- ١٣٤ - فمن بذله بعد ما سمعه . . . (بقره/١٨١)
- ١٤٤ - فمن خاف من موص جنافا او اثما . . . (بقره/١٨٢)
- ١٥١ - يا ايها الذين امنوا كتب عليكم الصيام . . . (بقره/١٨٣)
- ١٥٩ - فمن كان منكم مريضا او على سفر . . . (بقره/١٨٤)
- ١٣٤ - شهر رمضان الذى انزل فيه القرآن . . . (بقره/١٨٥)
- ١٨٨ - و اذا سألک عبادى عنى فانى قريب اجيب . . . (بقره/١٨٦)
- ١٩٣ - احلّ لكم ليله الصيام . . . (بقره/١٨٧)
- ٢١٠ - و لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل . . . (بقره/١٨٨)
- ٢١٦ - يسئلونك عن الاهله قل هى مواقيت . . . (بقره/١٨٩)
- ٢٢٢ - و قاتلوا فى سبيل الله الذين يقاتلونكم . . . (بقره/١٩٠)
- ٢٢٣ - و قاتلوهم حتى لا تكون فتنه . . . (بقره/١٩٣)
- ٢٢٤ - الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمات قصاص . . . (بقره/١٩٤)
- ٢٢٧ - وانفقوا فى سبيل الله ولا تعلقوا بايديكم الى التهلكه . . . (بقره/١٩٥)

- ٢٣٦ - واتمّوا الحجّ و العمرة لله . . . (بقره / ١٩٦)
- ٢٤٤ - الحجّ اشهر معلومات فمن فرض فيهنّ... (بقره / ١٩٧)
- ٢٨٨ - ذلك لمن لم يكن اهله حاضري المسجد الحرام... (بقره / ١٩٦)
- ٢٩٥ - واذكروا الله في ايام معدودات... (بقره / ٢٠٣)
- ٣٠٢ - ليس عليكم جناح ان تبتغوا فضلا من ربّكم... (بقره / ١٩٨)
- ٣٠٣ - افيضوا من حيث افاض الناس... (بقره / ١٩٩)
- ٣١٤ - فاذا قضيتم مناسككم فاذكروا الله... (بقره / ٢٠٠)
- ٣١٨ - و منهم من يقول ربّنا آتنا في الدنّيا حسنه... (بقره / ٢٠١)
- ٣٢١ - اولئك لهم نصيب مما كسبوا... (بقره / ٢٠٢)
- ٣٤١ - و من الناس من يعجبك قوله... (بقره / ٢٠٤)
- ٣٤٢ - و اذا تولّى سعى في الارض... (بقره / ٢٠٥)
- ٣٤٥ - و من الناس من يشري نفسه... (بقره / ٢٠٧)
- ٣٥٠ - يا ايّها الذين امنوا ادخلوا... (بقره / ٢٠٨)
- ٣٥٥ - هل ينظرون الا ان ياتيهم الله في ظلل من الغمام... (بقره / ٢١٠)
- ٣٦٠ - سل بنى اسرائيل كم و اتينا هم من اياه بيّنه... (بقره / ٢١١)



- ٣٦١ - زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا... (بقره / ٢١٢)
- ٣٦٢ - كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً... (بقره / ٢١٣)
- ٣٦٧ - أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ... (بقره / ٢١٤)
- ٣٦٨ - يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ... (بقره / ٢١٩)
- ٣٧٤ - فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى... (بقره / ٢٢٠)
- ٣٨٢ - وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمَنَّ... (بقره / ٢٢١)
- ٣٨٤ - وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ... (بقره / ٢٢٢)
- ٣٩١ - نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ... (بقره / ٢٢٣)
- ٤٠٤ - وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عَرْضَهُ لِأَيْمَانِكُمْ... (بقره / ٢٢٤)
- ٤٠٩ - لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ... (بقره / ٢٢٦)
- ٤٢١ - وَالْمُطَلَّقاتِ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ... (بقره / ٢٢٨)
- ٤٢٦ - الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ... (بقره / ٢٣٠)
- ٤٢٧ - فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ... (بقره / ٢٣٠)
- ٤٤٢ - وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ... (بقره / ٢٣١)
- ٤٤٤ - وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلِينَ كَامِلِينَ... (بقره / ٢٣٣)

- ٤٥٤ - والَّذِينَ يَتُوفَّونَ مِنْكُمْ وَيُذَرُونَ أَزْوَاجًا... (بقره / ٢٣٤)
- ٤٦١ - وَ لَا جَنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ... (بقره / ٢٣٥)
- ٤٦٧ - لَا جَنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ... (بقره / ٢٣٦)
- ٤٧٢ - وَ إِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ... (بقره / ٢٣٧)
- ٤٨٤ - حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوَسْطَى... (بقره / ٢٣٨)
- ٤٩٤ - فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا... (بقره / ٢٣٩)
- ٤٩٨ - وَ الَّذِينَ يَتُوفَّونَ مِنْكُمْ وَيُذَرُونَ أَزْوَاجًا... (بقره / ٢٣٩)
- ٤٩٩ - وَ لِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ... (بقره / ٢٤١)
- ٥٠٥ - أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ... (بقره / ٢٤٣)
- ٥٠٩ - مِنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا... (بقره / ٢٤٥)
- ٥١٦ - وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ... (بقره / ٢٤٧)
- ٥٢٨ - فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ... (بقره / ٢٥١)
- ٥٣١ - فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ... (بقره / ٢٥١)
- ٥٥٤ - پيشنهاد
- ٥٥٥ - منابع و مآخذ

## چکیده پایان نامه

نام و نام خانوادگی: زهرا صفای نیکو	
عنوان پایان نامه: ترجمه و تفسیر نورالثقلین (جزء دوم قرآن کریم)	
استاد راهنما: جناب آقای دکتر قاسم بستانی	
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: الهیات و معارف اسلامی
گرایش: علوم قرآن و حدیث	
محل تحصیل (دانشگاه): دانشگاه شهید چمران اهواز	
دانشکده: الهیات و معارف اسلامی	
تاریخ فارغ التحصیلان: شهریور ۱۳۸۹	تعداد صفحه: ۵۶۴
کلید واژه: ترجمه، تفسیر، تفسیر روایی، بررسی سند.	
<p><b>چکیده:</b></p> <p>قرآن و سنت دو چشمه زاینده از منبع پرفیض و حیند و در گذر تاریخ حیات مسلمین یا یکدیگر همراه و همسفراند قرآن قواعد و مبانی کلی و عمومی لازم را که انسان در دنیا و آخرت بدان محتاج است پی ریزی نموده است و این سنت است که بیان مجملات و تشریح جزئیات را عهده دار می شود.</p> <p>به رغم ممنوعیت حدیث در صدر اسلام، گوهر گرانبهای سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که نخستین تفسیر قرآن بود توسط وارثان او، امامان معصوم حفظ و نگهداری شد تا به نسلهای بعدی منتقل شد اما با گذر زمان و راهیابی راویان خطا کار به عرصه حدیث، پدیده (جعل و وضع حدیث) نمایان شد که روایات تفسیری هم از آن مصون نماند.</p> <p>نگارنده این سطور بر آنست که با استعانت از خداوند ضمن ترجمه روایات تفسیری جزء دوم قرآن کریم، که بخشی از تفسیر نورالثقلین اثر عبد علی بن جمعه عروسی حویزی است، به ارزیابی سندی و شرح احوال رجال آن پردازد.</p> <p>همچنین کوشیده است که مصادر و مآخذ اصلی این روایات را پیدا کند و با اصل کتاب مقابله نماید و در صورت مشاهده هر گونه اختلاف و تناقض آن را بیان کند تا میزان اعتبار روایات روشن گردد.</p> <p>امید است این نوشتار مورد قبول خداوند منان واقع شود.</p>	
بمنه و کرمه	

## مقدمه

قرآن و عترت دو ودیعه الهی و گوهر گرانبهای به جا مانده از رسول الله است که چنگ زدن به آن دو مایه سعادت انسانها و جوامع بشری می باشد. این دو ثقل گرانمایه از یک منبع نشأت گرفته و به یک مقصد منتهی خواهد شد آنان که خود جویای هدایت و سعادتند باید گمشده خویش را در این دو جستجو نمایند.

قرآن کریم شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و در پی آن اهل بیت آن حضرت را نخستین و برترین معلمان و مبینات آیات خویش معرفی کرده است از این رو مهمترین راه شناخت قرآن که دارای محکم و متشابه، عام و خاص، و احکام کلی و مجمل است روایات تفسیری پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت اوست از همان آغاز هم مسلمانان برای دریافتن احکام الهی و فهم آیات به ائمه (ع) و روایاتشان مراجعه می کردند تا در پرتو آنها، دیدگاههای اسلام را در مسائل مختلف زندگی دریابند.

با گذر زمان، راهیابی احادیث نادرست و مجعول در اثر گسترش تدریجی دو پدیده خطا و وضع به مجموعه منقولات و ذخایر حدیثی، عرصه استفاده مطلق و بی دغدغه از حدیث را تنگ ساخت در این میان سندخواهی و پرسش از راویان احادیث، بر اساس اعتبار عقلانی اخبار، شایع ترین راه برای پی بردن به صحت صدور حدیث گشت به گونه ای که حدیث را جز با بیان سلسله راویان از کسی نمی پذیرفتند و به دنبال این توجه بود که ضرورت شناخت تک تک راویان اوج گرفت.

در عصر اصحاب ائمه (علیهم السلام) این شناخت با آشنایی بی واسطه و با واسطه با راوی پدید می آمد و بر اساس آن، برخی راویان، راوی دیگر را توثیق و یا تضعیف می کردند پس از این

دوره در دوره های بعدی شهادتها و بینه ها بودند که به معرفی راویان پرداختند تا آنکه در قرن چهارم و پنجم تمامی اطلاعات رجالی در کتابهایی گرد آمد؛ بر این اساس با از کنار هم گذاشتن اسناد علمی، نقل قولهای مختلف، گردآوری اطلاعات گوناگون و تحلیل آنها نوعی شناخت علمی از راویان امکانپذیر شد.

در عصر حاضر نیز مرسوم ترین راه شناخت راویان، کتب و منابع رجالی است. بنابراین برای بهره برداری از سنت به جای مانده در تبیین ارزشها و احکام الهی علاوه بر بررسی دلالتی و محتوایی روایات نیاز به ارزیابی اسنادی آن ها از طریق کتب رجالی داریم.

رساله حاضر نیز تحقیق و پژوهشی پیرامون روایات تفسیری جزء دوم قرآن می باشد که بخشی از تفسیر نورالثقلین اثر عبد علی بن جمعه عروسی حویزی است.

راقم این سطور با استعانت از خداوند و لطف اهل بیت بر آن شد که در حد توان، ضمن ترجمه متن کتاب، با تنوع و تفحص در اسناد روایات و بررسی احوال رجال آن در کتب و جوامع رجالی اندکی از دین خود را نسبت به قرآن و عترت ادا کند.

همچنین جستجوی احادیث در مصدر و منبع اصلی و دیگر منابع روایی از اهداف دیگر تدوین این رساله است که در آن تطبیق و مقابله ای میان روایات نورالثقلین با مآخذ اصلی آن به عمل می آید. نگارنده در آغاز کار به ترجمه متن روایات پرداخته است روشن است که ترجمه کار ساده ای نیست زیرا انتقال مفهوم از زبان مبدا به مقصد و در عین حال احاطه بر موضوع متن (که در ابواب مختلف فقهی، اسباب نزول، تبیین معنا و مصداق آیات و ... می باشد)، گزینش بهترین واژه از میان معادلهای کلمه، آوردن جمله ای منسجم، صحیح و روان توانائیهای بسیاری را می طلبد که

با رجوع به کتب لغت، تفاسیر متعدد و نیز منابع روایی حدیثی دیگر و همچنین کتب مرتبط با موضوع سختی کار هموار گردید.

در شرح احوال رجال سلسله اسناد روایات و بررسی وثاقت یا ضعف ایشان از کتب و جوامع رجالی متقدم و متأخر چون رجال نجاشی، رجال شیخ طوسی و معجم رجال الحدیث اثر آیت الله خوئی و دیگر کتب رجالی استفاده شده است بنابراین مبنا و معیار ما در بررسی وضعیت راوی توثیق و تضعیف رجالیون متقدم و متأخر بوده است.

در مواردی که رجالیون در وصف یک راوی نظرات و آراء متفاوتی داشته اند به شیوه ای بی طرفانه و دور از تعصب نظریات همه را بیان کرده ایم.

برای شناخت نام و القاب راویان، معجم رجال الحدیث آیت الله خوئی مورد نظر بوده است شرح احوال هر راوی فقط در یک روایت گزارش شده است و از ذکر آن در بقیه روایات خودداری شده است.

از آنجا که مفسر گرانقدر تفسیر نوالثقلین مآخذ روایات تفسیری را به طور مجمل بیان نموده است نگارنده خود به منبع اصلی و مصدر روایات رجوع نموده و آدرس دقیقی از این روایات را در پاورقی بیان کرده و به مقابله و تطبیق احادیث با یکدیگر پرداخته و در صورت وجود اختلافات، آنها را بیان نموده است.

مراجعه به کتب حدیثی و رجالی و نیز منابع مرتبط با موضوع، یادداشت برداری، دسته بندی، تدوین و بررسی آنها همراه با رعایت بی طرفی و امانت علمی بوده است.

در مجموع این رساله درصدد آن است که گامی هر چند کوچک در جهت زدودن چهره تفسیر روایی از رجال جعلی و کذاب و نیز احادیث ضعیف و سقیم که با قرآن و سنت پیامبر در تعارض است بردارد که این مهم جز در سایه عنایات حضرت حق و همچنین یاری و پشتیبانی اساتیدی دانشمند و قرآن پژوه غیر ممکن بود .

پس سزاوار است قدردان همیاری و همراهی سرورانی باشم که به نوعی در پرورش فکری ام موثر بوده اند و از محضرشان بهره ها برده ام به ویژه استاد راهنمای گرامی جناب آقای دکتر بستانی که با راهنمایی های خویش مرا رهین منت خود قرار دادند .

از زحمات استاد مشاور ارجمند جناب آقای دکتر محفوظی که از هیچ مساعدتی در سامان یابی این نوشته دریغ نفرموده اند بسیار سپاسگذارم و توفیق همه این عزیزان را در گسترش علوم دینی از خداوند بزرگ خواهانم .

« و هو ولیّ التوفیق »

زهرا صفای نیکو

# ترجمه و تحقيق

تفسير نورالثقلين

جزء دوم قرآن



### بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

۳۹۹- فی کتاب الاحتجاج : للطبرسی ( رحمه الله ) قال أبو محمد الحسن العسكري ( عليه السلام ) لما كان رسول الله ( صلى الله عليه وآله وسلم ) بمكة امره الله تعالى أن يتوجه نحو البيت المقدس في صلاته، و يجعل الكعبه بينه وبينها اذا امكن، و اذا لم يتمكن استقبال البيت المقدس كيف كان، فكان رسول الله ( صلى الله عليه وآله وسلم ) يفعل ذلك طول مقامه بها ثلاثه عشره سنه، فلما كان بالمدينه و كان متعبداً باستقبال بيت المقدس استقبله و انحرف عن الكعبه سبعة عشر شهراً أو ستة عشر شهراً، و جعل قوم من مرده اليهود يقولون : والله ما ندرى محمد كيف يصلي حتى صار يتوجه الى قبلتنا و ياخذ في صلاته بهدينا و نسكنا؟ و اشتد ذلك على رسول الله ( صلى الله عليه وآله وسلم ) لما اتصل به عنهم و كره قبلتهم، و احب الكعبه، فجاء جبرائيل ( عليه السلام ) فقال له رسول الله ( صلى الله عليه وآله وسلم ) : يا جبرائيل لو ددت لو صر فنى الله عن بيت المقدس الى الكعبه ، فقد تأذيت بما يتصل بي من قبل اليهود من قبلتهم فقال جبرائيل ( عليه السلام ) : فاسأل ربك ان يحولك اليها فانه لا يردك عن طلبتك و لا يخيبك من بغيتك، فلما استتم دعاءه صعد جبرائيل ثم عاد من ساعته فقال : اقرأ يا محمد « قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ

الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ» الآيات فقال اليهود عند ذلك: «مَا وَلَّا هُمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا» فاجابهم الله باحسن جواب فقال: «قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ» وهو يملكهما وتكليفه التحول من جانب الى جانب كتحويله لكم من جانب الى جانب آخر<sup>۱</sup> «يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» هو مصلحتهم<sup>۲</sup> و تؤديهم طاعتهم الى جنات النعيم.<sup>۳</sup>

- در «الاحتجاج» طبرسی (رحمه الله) روایت شده است که امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود: هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، در مکه اقامت داشت خداوند بلند مرتبه به او فرمان داد که در نمازش به سمت بیت المقدس روی آورده و در صورت امکان کعبه را میان خود و آنجا قرار دهد و اگر مقدور نبود به سمت آن مکان آنطور که میسر است نماز بخواند؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز همان کار را در طول سیزده سال اقامت خود در مکه انجام داد و هنگامی که در مدینه به مدت شانزده یا هفده ماه منحرف از کعبه به سمت بیت المقدس نماز خواند، گروهی از سرکشان یهود شروع به گفتن این سخنان نمودند: به خدا سوگند نمی دانیم محمد چگونه نماز می خواند تا آنجا پیش رفته

<sup>۱</sup> - در الاحتجاج به جای عبارت «تکلیفه التحویل من جانب الى جانب كتحويله لكم من جانب الى جانب آخر»، عبارت «تکلیفه التحویل الى جانب كتحويله الى جانب آخر» آمده است.

<sup>۲</sup> - در همان کتاب به جای عبارت «هو مصلحتهم»، عبارت «هو اعلم بمصلحتهم» آمده است.

<sup>۳</sup> - طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴، ص ۱۰۵؛ بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۲، ص

که به قبله ما روی می آورد و در نمازش راه و روش ما را در پیش می گیرد. این سخن ایشان بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هنگامی که از آن باخبر شد سخت آمد؛ قبله شان را ناخوشایند دانست و کعبه را دوست داشت. چون جبرئیل (علیه السلام) آمد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ای جبرئیل دوست دارم خداوند مرا از بیت المقدس به سمت کعبه برگرداند زیرا از سخن یهود که درباره قبله شان به من رسید ناراحت شدم؛ جبرئیل (علیه السلام) گفت: از پروردگارت بخواه که تو را به سمت آن برگرداند، به راستی که او درخواست تو را رد نمی کند. پس هنگامی که دعایش تمام شد جبرئیل بالا رفت، سپس بلافاصله برگشت و گفت:

بخوان ای محمد: «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ» (بقره، آیه ۱۴۴). یهود در آن هنگام

گفتند: «ما وَلَّيْهِمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا»، خداوند با نیکوترین جواب به آنها پاسخ داد:

«قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ» (بقره، آیه ۱۴۲)؛ بگو: مشرق و مغرب همه ملک خداست او جهان

را فرمانروائی می کند و تغییر قبله از سویی به سوی دیگر آنچنانکه در مورد شما انجام داد

تکلیفی از جانب اوست؛ «يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

(بقره، آیه ۱۴۲)؛ این به مصلحت ایشان است و فرمانبرداریشان ایشان را به باغهای پر نعمت می

رساند.

۴۰۰- وقال ابو محمد : وجاء قوم من اليهود الى رسول الله فقالوا : يا محمد هذه القبلة بيت المقدس قد صليت اليها اربع عشره سنه، ثم تركتها الان افحماً كان ما كنت عليه فقد تركته الى باطل؟ فإن ما يخالف الحق باطل او باطلاً كان ذلك فقد كنت عليه طول هذه المده فما يومنا ان تكون الان على الباطل؟ فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) بل ذلك كان حقاً وهذا حق، يقول الله : «**قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ**» اذا عرف صلاحكم يا ايها العباد في استقبال المشرق امركم به، و اذا عرف صلاحكم في استقبال المغرب امركم به، و ان عرف صلاحكم في غيرهما امركم به، فلا تنكروا تدبير الله في عباده و قصده الى مصالحكم.<sup>۱</sup>

- امام حسن عسگری (عليه السلام) فرمود : گروهی از یهود نزد رسول خدا آمدند و گفتند : ای محمد این قبله، بیت المقدس است چهارده سال به سوی نماز خواندی و اکنون ترکش کردی؛ آیا آنچه بر آن بودی حقی بود که به سوی باطلی رهائش نمودی؟ به درستی که آنچه با حقی مخالفت ورزد باطل است؛ یا اینکه نه، چیزی که در این مدت بدان اعتقاد داشتی امر باطلی بوده است؟ پس چگونه یقین کنیم که هم اکنون بر باطلی نباشی، رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود : اما آن حق بود و این نیز حق است؛ خداوند می فرماید : «**قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ**»؛ ای بندگان، هنگامی که خداوند صلاح

<sup>۱</sup> - طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۰۵؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۱۹۵.